

نقش احساس مکانی در سازماندهی سیاسی فضا

تاریخ پذیرش مقاله: ۸۹/۱۲/۲۵

تاریخ دریافت مقاله: ۸۹/۱۱/۲۰

دکتر زهرا احمدی پور* (دانشیار جغرافیای سیاسی، دانشگاه تربیت مدرس تهران)
میثم میرزایی تبار (دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی، دانشگاه تربیت مدرس تهران)

چکیده

مکان علاوه بر بعد مادی، از بعد غیرمادی نیز برخوردار بوده و احساساتی در ساکنان خود ایجاد می‌کند. بواسطه این احساسات، نوعی تعلق به مکان در افراد ایجاد شده که منجر به شکل‌گیری هویت مکانی می‌شود. این نیروی معنوی حس مکان نامیده می‌شود. سازماندهی سیاسی فضا نیز عبارت از فرآیندی است که طی آن بخشی از سطح زمین که توسط مرز محدود شده، برای ایفای نقش‌های سیاسی سازماندهی می‌شود. پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و تحلیل برخی تنش‌های رخ داده در نتیجه فرآیند سازماندهی سیاسی فضا در مقیاس جهانی به بررسی روابط متقابل این فرآیند و احساس مکانی با تاکید بر نقش احساس مکانی در امر سازماندهی سیاسی فضا می‌پردازد. متغیر وابسته پژوهش، سازماندهی سیاسی فضا و متغیر مستقل، احساس مکانی است. سوال اصلی نیز این است که آیا مولفه احساس مکانی تأثیری در اجرای فرآیند سازماندهی سیاسی فضا دارد؟ در بیان فرضیه تحقیق، به نظر می‌رسد بین دو متغیر سازماندهی سیاسی فضا و احساس مکانی ارتباطی متقابل وجود داشته و احساس مکانی نقش کلیدی در انجام فرآیند سازماندهی سیاسی فضا دارد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد احساس مکانی از مولفه‌های کلیدی در سازماندهی سیاسی فضاست که ارتباط متقابلی بین آنها وجود دارد. به این ترتیب که نه تنها احساس مکانی، زیربنای سازماندهی سیاسی فضاست، بلکه نحوه انجام سازماندهی سیاسی فضا نیز در کیفیت احساس مکانی افراد تأثیر داشته و می‌تواند موجب تحریک احساسات آنان در جهت منفی و یا مثبت باشد.

واژه‌های کلیدی

مکان، حس مکان، سازماندهی سیاسی فضا، روابط متقابل

* نویسنده رابط: Ahmadyz@modarres.ac.ir

مقدمه

سازماندهی سیاسی فضا که سطوح محلی، ملی، بین المللی و جهانی را شامل می‌شود، فرآیندی است که طی آن بخشی از سطح زمین که توسط مرز محدود شده است، برای ایفای نقش های سیاسی سازماندهی می‌شود. مهم ترین اهداف انجام این فرآیند، ارائه خدمات بهینه به شهروندان و سپس اداره افراد ساکن در محدوده مرزهای سرزمینی است. در سطح ملی سازماندهی سیاسی فضا، گستراندن سازمان اداری در بعد جغرافیایی و فضایی با تقسیم بندی فضای کشور است که به تقسیمات کشوری تعبیر می‌شود.

این فرآیند برای حکومت‌ها از ضروریات و عنصری حیاتی در تفویض اختیارات از مرکز به سایر نقاط سرزمین و اداره بهتر محدوده کشور است که انجام آن بسته به نوع نظام سیاسی حاکم، متفاوت می‌باشد؛ یعنی هر یک از نظام‌های سیاسی متمرکز، فدرال و ناحیه‌ای، سازماندهی سیاسی فضایی خاص خود را دارند.

در همین حال حکومت‌ها در اجرایی کردن فرآیند سازماندهی سیاسی فضا، نمی‌توانند بی‌توجه به مولفه‌های مختلف انسانی و طبیعی محدوده‌های مرزبندی شده سرزمین خود عمل کنند.

احساس، تعلق و هویت مکانی افراد ساکن در محدوده سرزمینی یکی از مولفه‌های انسانی تاثیرگذار در فرآیند سازماندهی سیاسی فضا است. حس مکان، ادراک ذهنی مردم و احساسات کم و بیش آگاهانه آن‌ها از محیط خود می‌باشد که موجب تبدیل یک فضا به مکانی با خصوصیات حسی و رفتاری خاص برای افراد و وابستگی آن‌ها به این مکان می‌گردد. این وابستگی، علایقی در انسان به وجود می‌آورد که با دوری از آن دلتنگی و افسردگی را در فرد سبب می‌شود. از این نظر، مکان‌ها منبع هویت فردی و جمعی و مرکزیتی هستند که در آن پیوندهای عاطفی بین مردم برقرار می‌گردد.

انسان‌ها در نتیجه حضور مدت‌دار در محل تولد خود؛ نسبت به نمادها، ارزش‌ها و خصایص آن، حس ویژه‌ای یافته‌اند که این حس در ادامه تعلق به مکان را در افراد ایجاد کرده و هویت خاصی به آن‌ها اعطا می‌کند. در نتیجه این دلبستگی و هویت مکانی، انسانها حاضر نیستند لطمه‌ای بر آب و خاک آنها وارد شود و در مواقع خطر، در مقابل تهدیدات سرزمینی ایستادگی می‌کنند. این ایستادگی تا آنجایی می‌تواند تداوم یابد که فرد حاضر می‌شود جان و مال را فدای خاک و وطن و سرزمین خود کند.

تاکنون در موارد متعدد، متغیر احساس مکانی ساکنان، در کشورهای مختلف و از جمله ایران، در انجام فرآیند سازماندهی سیاسی فضا نادیده گرفته شده که در نتیجه آن تنش‌هایی رخ داده و خسارات مالی و جانی به بار آورده است که در این پژوهش ضمن تشریح مفاهیم احساس مکانی و

سازماندهی سیاسی فضا، چند نمونه جهانی و داخلی ایران در ارتباط با نقش احساس مکانی در سازماندهی سیاسی فضا مورد بررسی قرار خواهند گرفت.

سوال اصلی: آیا ارتباطی میان دو مولفه سازماندهی سیاسی فضا و احساس مکانی وجود داشته و اساساً مولفه احساس مکانی تأثیری در اجرای فرآیند سازماندهی سیاسی فضا دارد؟

متغیرها: متغیرهای اصلی پژوهش حاضر، سازماندهی سیاسی فضا و احساس مکانی بوده که در این ارتباط سازماندهی سیاسی فضا متغیر وابسته و احساس مکانی متغیر مستقل پژوهش هستند. فرضیه اصلی: به نظر می‌رسد بین دو متغیر سازماندهی سیاسی فضا و احساس مکانی ارتباطی متقابل وجود داشته و احساس مکانی نقش کلیدی در انجام فرآیند سازماندهی سیاسی فضا دارد.

روش بررسی

پژوهش حاضر با روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و اینترنتی درصدد است تا به صورت نظری، نقش احساس مکانی بر فرآیند سازماندهی سیاسی فضا را مورد بررسی قرار داده و به تشریح ارتباط این دو متغیر بپردازد. در همین ارتباط، نمونه‌های عینی از ناآرامی‌های رخ داده ناشی از تأثیر احساس مکانی در فرآیند سازماندهی سیاسی فضا در ایران و سایر نقاط جهان مورد تحلیل واقع خواهند شد.

بحث و نتایج

مفهوم حس مکان

اصطلاح "حس مکان" از ترکیب دو واژه "حس" و "مکان" تشکیل شده است. "حس" در فرهنگ لغت آکسفورد چهار معنای اصلی دارد: یکی از حواس پنج‌گانه؛ عاطفه و محبت؛ توانایی در قضاوت درباره یک چیز انتزاعی و عقل و دلیل آوردن. در این اصطلاح، واژه "حس" به مفهوم عاطفه، قضاوت و توانایی فضا در ایجاد حس خاص یا تعلق در افراد است (فلاح، ۱۳۸۵: ۶۰). اما درباره "مکان" که دکتر شکوئی از آن به عنوان کانون علم جغرافیا یاد می‌کند (شکوئی، ۱۳۸۷: ۲۸۰) تاکنون تعاریف متعددی صورت گرفته است که در مجموع به واحدی از فضا مانند یک شهر، روستا یا کشور اطلاق می‌شود که مرکز عمل آگاهانه و ارادی انسان است، به وسیله‌ی او اشغال شده و تجربه زندگی را در آن می‌آموزد. هر مکانی شرایط منحصر به فرد خود را دارد. مفهوم مکان در برداشت‌های جدید

صبغی انسانی به خود می‌گیرد که در آن روابط اجتماعی، هویت و زندگی پدیدار گردیده و با زندگی، تاریخ، ارزش‌ها، احساسات، روابط اجتماعی و شیوه تولید مردم پیوند می‌خورد (حافظ‌نیا، ۱۳۸۵: ۱۵۷). از نظر فلینت آنچه انجام می‌دهیم، از آن آگاهی و فکر می‌کنیم و می‌دانیم، کارکردی از مکانی است که در آن زندگی می‌کنیم و چون هر مکان ماهیتی خاص دارد، بنابراین تجربیات متنوعی ارائه می‌دهند (بدیعی ازندهی و دیگران، ۱۳۸۷: ۱۶۱).

حس مکان، به معنای ادراک ذهنی مردم و احساسات کم و بیش آگاهانه آن‌ها از محیط خود می‌باشد که شخص را در ارتباط درونی با آن قرار می‌دهد، طوری که فهم و احساس فرد با زمینه معنایی محیط پیوند خورده و یکپارچه می‌شود. این حس، موجب تبدیل یک فضا به مکانی با خصوصیات حسی و رفتاری خاص برای افراد می‌گردد و یادآور تجارب گذشته و دستیابی به هویت است (فلاح، ۱۳۸۵: ۵۷).

اگنیو مکان را دارای ۳ جزء اساسی محل، موقعیت و بار احساسی می‌داند که بار احساسی با ساختار مکان مرتبط بوده و فعالیت‌های انسان حول آن‌ها انجام می‌شود که از تلفیق ساختار محلی و نوع فعالیت انسان، بار احساسی مکان در ابعاد جغرافیایی و اجتماعی بوجود می‌آید (مویر، ۱۳۷۹: ۳۴).

در مفهوم جغرافیایی مکان، جغرافی‌دانان فرهنگی و مردم‌شناسان، به احساس مکانی یا هویت‌پذیری که از طریق زندگی در مکان بوجود می‌آید تأکید دارند (شکوئی، ۱۳۸۷: ۲۷۹). رلف می‌گوید: "مکان بخشی از محیط انسان است که معانی، فعالیت‌ها و چشم‌انداز خاصی داشته و دربردارنده آن هاست." روز نیز معتقد است "مکان‌ها القاکننده معانی و احساسند." به عبارت دیگر "مکان" دربرگیرنده ترکیبی از خاطرات، تجربه‌های حسی و گزاره‌ها می‌باشد (Hague & Jennkinsn, 2005, 4).

پدیدارشناسان، حس مکان را مرتبط شدن با مکان به واسطه درک نمادها و فعالیت‌های روزمره می‌دانند و معتقدند که این حس می‌تواند در محل زندگی فرد به وجود آمده و با گذر زمان عمق و گسترش یابد. از نظر این گروه، مهم‌ترین مفاهیم مرتبط در بیان حس مکان، مکان‌دوستی، تجربه مکان و شخصیت مکان است که با ویژگی غیرمادی، معنایی نزدیک به روح مکان دارد (فلاح، ۱۳۸۵: ۵۸). "توان" به جای حس مکان از اصطلاح مکان‌دوستی استفاده می‌کند و آن را پیوندی پرمحبت میان مردم و مکان‌ها می‌داند که می‌تواند زیبایی‌شناختی، حسی یا عاطفی باشد (فلاح، ۱۳۸۴: ۳۵). اما رلف می‌گوید حس مکان، مفهوم مشخصی نیست که تعریف دقیقی برای آن ارائه شود، باید با آزمون، روابط مکان و پایه‌های پدیدارشناختی جغرافیا ارزیابی شود. از دید او معنای اصلی مکان و رای تجارب مادی است (فلاح، ۱۳۸۵: ۵۸).

شامای برای حس مکان سه مرحله اصلی "تعلق به مکان"، "دلبستگی به مکان" و "تعهد به مکان" را با هفت سطح تعیین می‌کند. این سطوح، کاربرد فرآیند حس مکان را نشان می‌دهند که از بی‌تفاوتی تا حس فداکاری نسبت به مکان را به ترتیب زیر شامل می‌شود:

- ۱- بی‌تفاوتی نسبت به مکان؛
- ۲- آگاهی از قرارگیری در یک مکان؛
- ۳- تعلق به مکان؛
- ۴- دلبستگی به مکان؛
- ۵- یکی شدن با اهداف مکان؛
- ۶- حضور فعال در مکان؛
- ۷- فداکاری برای مکان (همان، ۶۱-۶۲).

حس مکان در جغرافیای سیاسی

انسان ریشه خود را در مکان ویژه‌ای جستجو کرده و تعلق به مکانی دارد که در آن آزادی، نیازهای اساسی و امنیت او تامین گردد. مکانی که گوشه‌ای از آن را برای زندگی انتخاب و جایی را جهت خاک‌سپاری خود و بستگانش تعیین کند. وابستگی مکانی، علایقی را در انسان بوجود می‌آورد که با دوری از آن دل‌تنگی، افسردگی را در فرد سبب می‌شود (شکوئی، ۱۳۸۷: ۲۷۴-۲۷۵). از این نظر، مکان‌ها منبع هویت فردی و جمعی و مرکزیتی هستند که در آن پیوندهای عاطفی بین مردم برقرار می‌گردد (همان، ۲۷۶).

پیتر اسلو رابطه انسان با سرزمین، را فرآیندی دوجانبه می‌داند. یعنی مردم نه تنها خود را صاحب قطعه‌ای زمین می‌دانند بلکه احساس می‌کنند به آن زمین نیز تعلق دارند. آنان حس تعلق و رای نظریه یک بعدی مالکیت دارند. این حس تعلق، مردم آرام را به جنگ برای بازپس‌گیری زمین‌شان برمی‌انگیزد (مویر، ۱۳۷۹: ۲۰). در واقع احساس تعلق داشتن به محیط جغرافیایی ویژه و نیاز به شناخته شدن به ویژگی‌های محیطی و فرهنگی آن، بخش مهمی از وجود روحانی بشر شمرده می‌شود (مجتهدزاده، ۱۳۷۹: ۱۲۸). تعلق انسان به مکان، در او عشق به سرزمین و حق تابعیت ایجاد می‌کند و دیدگاه‌های مربوط به مکان، نقش حیاتی احساس تعلق انسان‌ها به مکان مربوط را نشان می‌دهند که سعی می‌کنند خود را از طریق یک احساس مکانی تعریف و آن را منشا هویت خود بدانند (کرانگ، ۱۳۸۳: ۱۴۴). "ر.آردی"، تعلق مکانی را گزینه‌ای مهاجم می‌داند که انسان‌ها در آن با

حیوانات شریک هستند. "ساک" این نظر را رد و تعلق مکانی را "راهبردی انسانی جهت تاثیر گذاشتن، زیر نفوذ قرار دادن و کنترل" تلقی می‌کند (جانستون، ۱۳۷۹: ۲۶۸).

انسان‌ها وابستگی‌های مکانی، وطنی و سکونتگاهی سطح‌بندی شده‌ای نیز دارند که به آن‌ها هویتی خاص می‌دهد، هر فرد نسبت به زادگاه و در سطوح بالاتر نسبت به شهرستان، استان، کشور و حتی قاره خود احساس تعلق می‌کند (حافظ‌نیا، ۱۳۸۱: ۳۷-۳۸). انسان‌ها هم زمان از ۳ نوع عاطفه مکانی-فضایی به شرح زیر برخوردارند: ۱- عواطف محلی: نسبت به ارزشهای محلی قرار می‌گیرند؛ ۲- عواطف ملی: نسبت به ارزشهای ملی بوده و در بعد سیاسی ناسیونالیزم تعبیر می‌شوند؛ ۳- عواطف بشری (جهانی): نسبت به ارزشهای جهانی و بشری قرار دارند (حافظ‌نیا، پاییز ۱۳۸۸).

در چنین شرایطی هر انسان نسبت به واحد فضایی-اجتماعی خود اشتراک در ارزش‌ها احساس کرده و در خود نوعی حس تعلق، عشق به ارزش‌ها و درخشش آن‌ها نسبت به دیگران می‌یابد و نسبت به سایرین نیز احساس جدایی می‌کند. این احساس تعلق نسبت به ارزش‌های مشترک محلی به تقویت همکاری درون مکانی انجامیده و رقابت بین مکانی را نیز دامن می‌زند (حافظ‌نیا و کاویانی‌راد، ۱۳۸۳: ۱۰).

در همین حال عده‌ای معتقدند امروزه با گذشت زمان، حس تعلق مکانی انسان‌ها رو به کاهش است. این ادعا نمی‌تواند صادق باشد، شاید علاقه به نهادهای سیاسی ملی روبه زوال گذاشته باشد اما سیاست‌های ناشی از مکان، همچنان شدت عمل خود را دارند (مویر، ۱۳۷۹: ۳۷).

در مجموع مهم‌ترین شاخص‌های احساس و تعلق مکانی را می‌توان موارد ذیل دانست:

- ۱- افتخار به ارزش‌ها، نمادها و هویت‌های مکانی و قومی و تلاش برای تقویت و ترویج آن‌ها؛
- ۲- تلاش برای پیشرفت و آبادانی مکان از سوی ساکنان؛
- ۳- واکنش در مقابل تهدیدات مکانی و مقابله با تجزیه خاک؛
- ۴- فداکاری و جانفشانی در راه حفظ و پیشرفت مکان؛
- ۵- دلتنگی برای زادگاه در سفر یا مهاجرت‌های طولانی مدت و آرزوی بازگشت به آن؛
- ۶- تمایل به دفن در زادگاه مادری پس از مرگ؛
- ۷- تلاش برای احیا و بازپس‌گیری مکان در صورت اشغال از سوی دیگری و یا واگذاری به غیر؛
- ۸- رقابت مکانی جهت دستیابی به امکانات و امتیازات؛
- ۹- خوشحالی یا اعتراض به تغییر نام مکان.

سازماندهی سیاسی فضا

طی فرآیند سازماندهی سیاسی فضا بخشی از سطح زمین که توسط مرز محدود شده، برای ایفای نقش های سیاسی سازماندهی می شود. این فرآیند، سطوح محلی، ملی، بین المللی و جهانی را دربر می گیرد (احمدی پور، پاییز ۱۳۸۸). در سطح ملی سازماندهی سیاسی فضا، گستراندن سازمان اداری در بعد جغرافیایی و فضایی با تقسیم بندی فضای کشور است که به تقسیمات کشوری تعبیر می شود (حافظ نیا، ۱۳۷۹: ۱۹۴). در همین حال، مهم ترین هدف سازماندهی سیاسی فضا در درجه اول، ارائه خدمات بهینه به شهروندان و سپس اداره افراد ساکن در محدوده مرزهای سرزمینی است (پور موسی و دیگران، ۱۳۸۷: ۷۷).

تقسیمات کشوری با توجه به ضروریات سیاسی، تاریخی و وابستگی های عاطفی، صورت می گیرد که ضابطه آن را باید در جغرافیا جستجو کرد (میرحیدر و ذکی، ۱۳۸۱: ۵۲). تفکیک محدوده سرزمینی کشورها، به واحدهای خردتر نیز کارکردی دو وجهی دارد. از یکسو به دولت امکان خدمات رسانی در کلیه سطوح را داده و از طرف دیگر به برقراری امنیت در تمام پهنه سرزمینی منجر می شود. این کارکرد، در شرایطی می تواند به بقای ملی بینجامد که با رضایت سکنه همراه و هویت های محلی را به هویت های ملی تبدیل کند (احمدی پور، ۱۳۸۲: ۱۸).

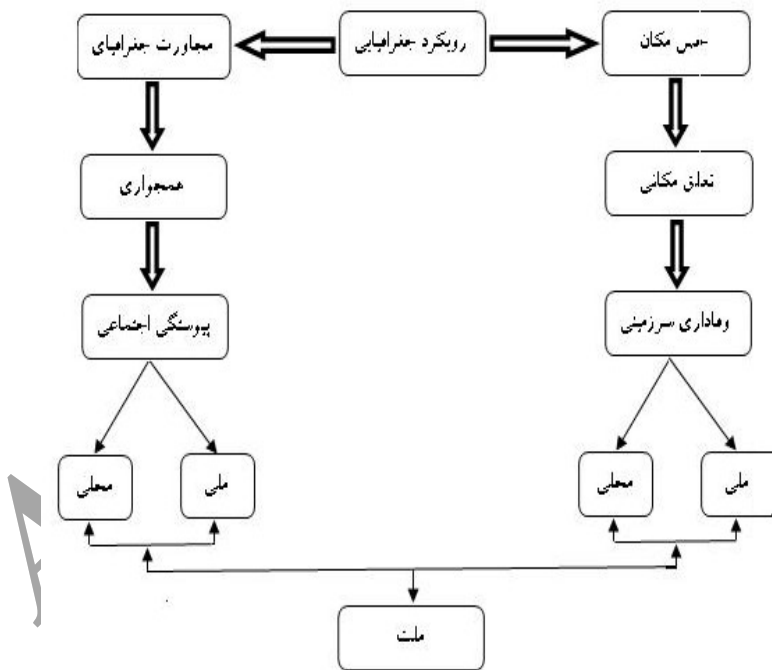
در همین ارتباط، نواحی سیاسی-فضایی را می توان به انواع ناحیه سیاسی درون شهری؛ درون کشوری؛ ملی؛ فراکشوری و ناحیه سیاسی بین المللی تقسیم بندی کرد (حافظ نیا و کاویانی راد، ۱۳۸۳: ۱۹-۲۰).

در فرآیند سازماندهی سیاسی فضا مبتنی بر اختصاصات فضایی، الگوی حکومتی و ویژگی های اجتماعی- فرهنگی، حکومت ها نقش اصلی را بر عهده دارند (احمدی پور، پاییز ۱۳۸۸). در ایران مهم ترین شاخص های قانونی دخیل در انجام این فرآیند، تعداد و تراکم جمعیت؛ نوع اشتغال و امرار معاش؛ عوامل طبیعی، فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی؛ میزان برخورداری از امکانات رفاهی؛ ارتباط و فاصله مکانی؛ مجاورت و حوزه نفوذ (قانون تعاریف و ضوابط تقسیمات کشوری، ۱۳۶۲).

یافته ها

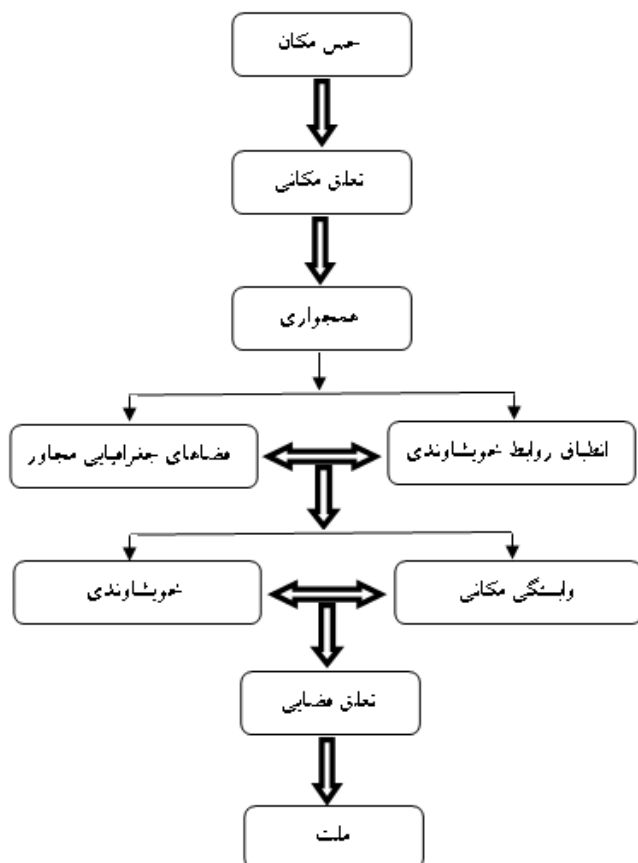
حس مکانی افراد، اساس شکل گیری ملت، حکومت و فرآیند سازماندهی سیاسی فضا است. سرزمین در کنار حکومت و ملت، یکی از سه عنصر اصلی تشکیل دهنده و حیاتی ترین عنصر مادی شکل گیری کشور است. اگر سرزمین نباشد، ملت و حکومتی تشکیل نمی شود. در ورای این، نیرویی

غیرمادی حس مکانی انسان به سرزمین مادری نیز هم تراز با این مولفه، عامل شکل‌گیری ملت و در ادامه تشکیل حکومت است. این نیرو حاصل حضور انسان در مکان، استفاده از امکانات زیستی آن، درک نمادهای شکل گرفته مکان، پیوندهای عاطفی و یادآوری خاطرات است که تا پایان عمر در وجود انسان نهادینه شده و در هنگام مرگ نیز تمایل دارد تا محل دفن وی سرزمین مادری باشد. این تعلق مکانی، هویتی خاص به انسان می‌بخشد و به این پرسش که "کی هستم؟" و "به کجا تعلق دارم؟" پاسخ می‌دهد و پیوندی نزدیک با هویت شخصی دارد؛ یعنی "من اینجا هستم" حکایت از "من هستم" می‌کند (ترابی، ۱۳۸۰: ۱۵). حس، تعلق و هویت مکانی نیز نوعی خودآگاهی ملی درباره ارزشها، اهداف و علایق افراد سرزمین بوجود می‌آورد که افراد با در نظر گرفتن اشتراکاتی در زمینه حس، تعلق و هویت مکانی و برپایه شاخص‌های ساختاری و اهداف و ارزشهای مشترک به همدیگر پیوسته و "ملت" را تشکیل می‌دهند.



مدل ۱: شکل‌گیری ملت با رویکرد جغرافیایی

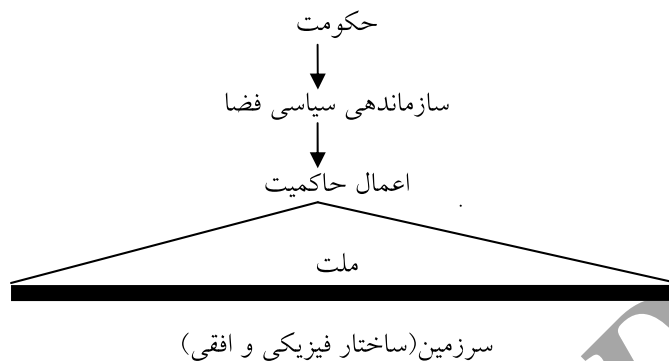
منبع: نگارنده



مدل ۱: شکل‌گیری ملت با رویکرد اجتماعی

منبع: نگارنده

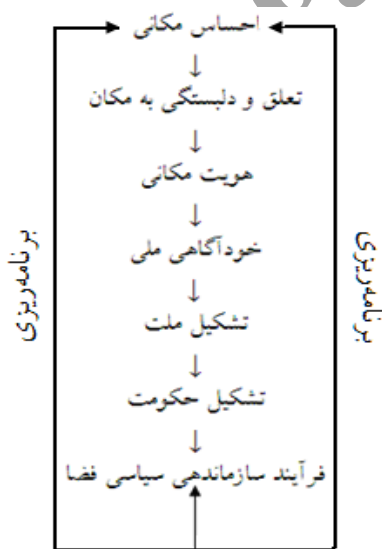
ملت برای اداره جامعه، حاکمیت قانون و تحقق اهداف، نیازمند ایجاد مدیریتی با ماهیت سیاسی است. که با انتخاب نمایندگانی، اقدام به تشکیل حکومت می‌کند. حکومت بعد عمودی ساختار سیاسی، تشکیلاتی و قانونی است که بر مبنای رضایت عمومی شکل می‌گیرد (مجتهدزاده، ۱۳۸۱: ۹۹). در پهنه داخلی، حکومت اداره امور عمومی؛ تنظیم روابط اجتماعی افراد با یکدیگر؛ تامین امنیت عمومی؛ تامین نیازهای اساسی ملت و... را برعهده دارد که برای ایفای این نقش‌ها، اقدام به توزیع قدرت سیاسی- اداری در پهنه سرزمینی می‌کند. این عمل در چارچوب سازماندهی سیاسی فضا با تقسیم سرزمین انجام می‌شود.



مدل ۳: تسهیل اعمال حاکمیت حکومت از طریق سازماندهی سیاسی فضا

منبع: نگارنده

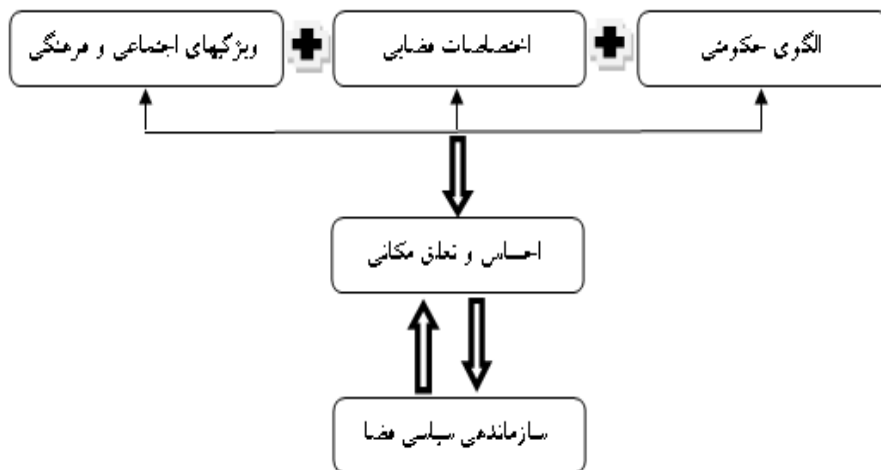
مروری بر روند طی شده، نشان می‌دهد که احساس مکانی انسان نسبت به سرزمین مادری و در ادامه پیوند عاطفی، تعلق و هویت مکانی افراد، زیربنای اصلی انجام فرآیند سازماندهی سیاسی فضا می‌باشد.



مدل ۴: روند شکل‌گیری فرآیند سازماندهی سیاسی فضا

منبع: نگارنده

البته همچنان که احساس مکانی زیربنای سازماندهی سیاسی فضاست، نحوه انجام این فرآیند نیز در کیفیت احساس مکانی افراد تاثیر دارد و می‌تواند موجب تحریک احساسات آنان در جهت منفی و یا مثبت باشد. به عبارتی ارتباط متقابلی میان این دو مولفه وجود دارد.



مدل ۵: رابطه متقابل سازماندهی سیاسی فضا و احساس مکانی

منبع: نگارنده

تشریح و تجزیه و تحلیل نمونه‌ها

در سطح جهانی و ایران، موارد متعددی از تاثیر نحوه سازماندهی سیاسی فضا و تقسیمات کشوری بر احساسات مکانی افراد را می‌توان به شرح در جدول زیر مورد اشاره قرار داد:

جدول ۱: تشریح نمونه‌های تاثیر احساس مکانی در سازماندهی سیاسی فضا

نمونه	شرح نمونه
خارجی	فلسطین یهودیان صهیونیست در سال ۱۹۴۸م غرب بیت‌المقدس و از سال ۱۹۶۷م به طور کامل این شهر را به متصرف شدند. در مقابل، فلسطینیان با احساس و تعلق مکانی به فلسطین و بیت‌المقدس، از حق خود دفاع کرده و با گذشت چندین سال، همچنان ایستادگی کرده و در این راه هم هزاران کشته داده‌اند.
	احیای راتلند در انگلستان، استان راتلند در سال ۱۹۷۰م منحل شد. اما احساس و تعلق مکانی نسبت به این استان، همچنان در میان ساکنان آن وجود داشت و همین امر سبب شد تا با مبارزه‌ای مستمر برای احیای آن از سوی ساکنان، در سال ۱۹۹۴م یعنی با گذشت بیش از دو دهه پس از زوال، راتلند دوباره تاسیس و احیاء شد (مویر، ۱۳۷۹: ۲۹-۳۰).

ادامه جدول ۱: تشریح نمونه‌های تاثیر احساس مکانی در سازماندهی سیاسی فضا

بخش	بخش	توضیحات
داخلی	تقسیم خراسان	<p>با قطعیت تقسیم خراسان به ۳ استان خراسان شمالی، جنوبی و رضوی، ساکنان شهرهای بزرگ خراسان، هر یک محل سکونت خود را شایسته مرکزیت برای استان‌های جدید می‌دانستند. اعلام مرکزیت بجنورد برای خراسان شمالی، مشهد برای خراسان رضوی و بیرجند برای خراسان جنوبی ناآرامی‌هایی در پی داشت که مهمترین آن‌ها در سبزوار و فردوس رخ داد. در سبزوار با اعلام قطعی شدن مرکزیت بجنورد برای خراسان شمالی، حدود ۵ هزار نفر از ساکنان در اعتراض به این تصمیم، راهپیمایی کردند که درگیری با نیروی انتظامی، کشته شدن ۱ نفر، مجروح شدن افراد دیگر و دستگیری ۱۰۰ نفر منجر شد (اخباری و یداللهی، ۱۳۸۴: ۳۴). در فردوس نیز با تصویب مرکزیت بیرجند برای خراسان جنوبی، ساکنان آن در مقابل مسجد میرزا این شهر، تجمع و اقدام به سردادن شعار، راهپیمایی و سنگ‌پرانی کردند که طی درگیری با نیروی انتظامی، ۱ نفر کشته و ۴۰ نفر دستگیر شد (همان، ۳۵).</p>
بخشگرد	بشاگرد	<p>در هرمزگان با ارتقای بشاگرد از بخش به شهرستان در آبان‌ماه ۱۳۸۷، مردم گوهران به عدم انتخاب محل سکونت خود به مرکزیت شهرستان اعتراض کرده و شبانه با سردادن شعار، به بخش‌داری بشاگرد حمله کردند. اعتراضات با همراهی روستاهای همجوار چند روز ادامه یافت (www.hormozgan.yaarineews.ir/335). ناآرامی‌ها در اردیبهشت ۱۳۸۸ نیز ادامه داشت که طی آن، معترضان با قفل درب ورودی بخش‌داری گوهران مانع از فعالیت کارکنان بخش‌داری شدند. در یکی از روزها نیز، به نشانه اعتراض ادارات دولتی گوهران به همراه مدارس، تعطیل شد و در نهایت هم تغییر در تصمیم اتخاذ شده هیأت دولت ایجاد نشد (www.alborznews.net=8089).</p>
اقلید	اقلید	<p>اردیبهشت‌ماه ۱۳۸۶ در استان فارس، روستای خسرو شیرین از اقلید جدا و به آباده الحاق شد. در واکنش به این تصمیم، جمعی از مردم اقلید مقابل فرمانداری تجمع کرده که طی این تجمعات، خساراتی به اماکن دولتی وارد شده و درگیری‌هایی نیز با نیروی انتظامی رخ داد (www.fars.isna.ir/13056).</p>
سمیرم	سمیرم	<p>با تصمیم هیأت دولت در مردادماه ۱۳۸۲ مبنی بر جدایی دهستان وردشت از سمیرم در اصفهان و الحاق آن به شهرستان در حال تأسیس دهقان، این تصمیم، اعتراض شدید مردم سمیرم، ناآرامی، خسارت به اموال عمومی، درگیری با نیروی انتظامی، کشته شدن ۶ معترض و ۲ مامور را در پی داشت که در نهایت، مصوبه از سوی دیوان عدالت اداری ابطال شد (www.rajanews.com=36492).</p>

منبع: نگارنده

ارزیابی نمونه‌ها با توجه به شاخص‌های احساس مکانی

نکته اشتراکی تمامی نمونه‌ها، تحریک احساسات مکانی و ایفای نقش اصلی از جانب آن در اعتراضات صورت گرفته و تاثیر متقابل نحوه انجام سازماندهی سیاسی فضا و احساس مکانی افراد است. در جدول زیر نمونه‌های مذکور با توجه به شاخص‌های احساس مکانی مورد ارزیابی قرار می‌گیرند.

جدول ۲: ارزیابی نمونه‌ها با توجه به شاخص‌های احساس مکانی

نا آرامی‌های بشکارد	نا آرامی‌های اقلید	نا آرامی‌های سیریم	تقسیم خراسان	بهران فریبناغ	اسنان راکتند	فلسطین اشغالی	نمونه‌ها شاخص‌های احساس و تعلق مکانی
	×	×				×	واکنش به تهدید مکان و مقابله با تجزیه خاک
	×	×			×	×	تلاش برای احیا و بازپس‌گیری مکان
				×	×		افتخار به ارزش‌ها، نمادها و هویت‌های مکانی
×	×	×	×	×	×	×	تلاش برای سربلندی، پیشرفت و آبادانی مکان
	×	×	×	×		×	فداکاری و جانفشانی در راه حفظ مکان
×	×	×	×	×			رقابت مکانی برای دستیابی به امتیازات

منبع: نگارنده

نتیجه‌گیری

فرآیند سازماندهی سیاسی فضا بحثی تخصصی در جغرافیای سیاسی است که طی آن بخشی از سطح زمین و به طور خاص واحد سرزمینی سطح ملی در بعد جغرافیایی و فضایی با تقسیم‌بندی آن، برای ایفای نقش‌های سیاسی سازماندهی می‌شود. هدف از انجام این فرآیند، اداره بهتر سرزمین و قلمرو و ارائه خدمات بهتر و بیش‌تر به شهروندان می‌باشد.

سازماندهی سیاسی فضا از سوی حکومت، اقدامی بسیار مهم و حساس به حساب می‌آید که در اجرای آن، باید مولفه‌هایی مورد توجه قرار گیرد تا روند کار بدون هرگونه حاشیه و تنش‌های سیاسی در محدوده حاکمیت واحد سیاسی مستقل است. هر فردی به صورت ذاتی، تعلق خاطری نسبت به زادگاه و محل سکونت خود داشته که تحت هیچ شرایطی زایل‌شدنی نیست. در سازماندهی

سیاسی فضا، هرگاه این مولفه مورد بی توجهی واقع شده، تنش هایی در پی داشته و خسارات مالی و جانی به بار آورده است.

نگاهی به نمونه های ذکر شده در پژوهش حاضر نشان می دهد که ارتباط متقابلی میان دو متغیر سازماندهی سیاسی فضا و احساس مکانی افراد برقرار است؛ یعنی احساس مکانی نه تنها زیربنای انجام فرآیند سازماندهی سیاسی فضا است، بلکه چگونگی سازماندهی و تصمیمات اتخاذ شده نیز بر روی احساس مکانی ساکنان، تاثیر داشته و باعث تحریک احساسات آنان در جهت مثبت یا منفی می شود.

نمونه های مختلف نشان می دهد که نادیده انگاشتن متغیر احساس، تعلق و هویت مکانی در اجرای سازماندهی سیاسی فضا قطعاً تحریک احساسات در جهت منفی و ناآرامی در غالب موارد را در پی دارد.

در مجموع توجه به ناآرامی های صورت گرفته حاصل از اجرای فرآیند سازماندهی سیاسی فضا در مناطق مختلف، نقش کلیدی متغیر احساس، تعلق و هویت مکانی در این عملیات را به اثبات می رساند. بنابراین ضرورت دارد؛ قبل از اقدام به اجرای فرآیند سازماندهی سیاسی فضا و یا انجام تغییرات در واحدهای سیاسی- اداری، این مولفه به دقت مورد توجه قرار گرفته و حساسیت های مکانی در این زمینه سنجیده و ارزیابی شود تا اجرای کار، به دور از هرگونه حاشیه ای به انجام رسد.

Archive of SID

منابع و مآخذ

- احمدی پور، زهرا، (تابستان ۱۳۸۲)، تحلیلی بر سیر نامگذاری واحدهای سیاسی-اداری در ایران، فصلنامه مدرس، دوره ۷، شماره ۲
- _____، (پاییز ۱۳۸۸)، سازماندهی سیاسی فضا [جزوه درسی منتشر نشده]، تهران، دانشگاه تربیت مدرس
- اخباری محمد، بداللهی محسن، (زمستان ۱۳۸۴)، فرآیند تصمیم‌گیری تقسیم استان خراسان و اثرات سیاسی-اجتماعی آن، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال اول، شماره ۲
- امیراحمدیان بهرام، (زمستان ۱۳۷۸)، روند تحولات در بحران قره باغ، فصلنامه مطالعات آسیای مرکزی و قفقاز، شماره ۲۸
- بدیعی ازنادهی مرجان و دیگران، (تابستان ۱۳۸۷)، نقش احساس مکانی در هویت بومی؛ مطالعه موردی: دانشجویان یاسوجی دانشگاههای تهران، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال چهارم، شماره ۲
- پور موسی سید موسی و دیگران، (پاییز و زمستان ۱۳۸۷)، سازماندهی سیاسی فضا و نواحی فرهنگی و کارکردی در ایران، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال چهارم، شماره ۳
- ترابی، مرضیه، (آذرماه ۱۳۸۰)، حس مکان در شهرهای جدید، ماهنامه شهرداری‌ها، سال سوم، شماره ۳۱
- جانستون، رونالد، مسئله جا و مکان جغرافیایی "تفحصی در جغرافیای انسانی"، ترجمه جلال تبریزی (۱۳۷۹)، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌الملل وزارت امور خارجه
- حافظنیا، محمدرضا، (۱۳۷۹)، مبانی مطالعات سیاسی-اجتماعی، ج ۱، قم: سازمان حوزه‌ها و مدارس علمیه خارج از کشور
- _____، (۱۳۸۱)، جغرافیای سیاسی ایران، تهران: انتشارات سمت
- _____ و کاویانی‌راد، مراد، (۱۳۸۳)، افقهای جدید در جغرافیای سیاسی، تهران: انتشارات سمت
- _____، (۱۳۸۵)، اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک، مشهد: انتشارات پاپلی
- _____، (پاییز ۱۳۸۸)، جغرافیای سیاسی ایران [جزوه درسی منتشر نشده]، تهران، دانشگاه تربیت مدرس
- شکوئی، حسین، (۱۳۸۷)، اندیشه‌های نو در فلسفه جغرافیا، تهران: موسسه جغرافیایی و کارتوگرافی گیتاشناسی

- فلاحت، محمدصادق، (تابستان ۱۳۸۴)، نقش طرح کالبدی در حس مکان مسجد، تهران: نشریه هنرهای زیبا، شماره ۲۲
- _____، (تابستان ۱۳۸۵)، مفهوم حس مکان و عوامل شکل دهنده آن، تهران: نشریه هنرهای زیبا، شماره ۲۶
- قانون تعاریف و ضوابط تقسیمات کشوری، مصوب ۱۵ تیرماه ۱۳۶۲
- کرانگ، مایک، جغرافیای فرهنگی، ترجمه مهدی قرخلو (۱۳۸۳)، تهران: انتشارات سمت
- مجتهدزاده، پیروز، (۱۳۷۹)، ایده‌های ژئوپلیتیک و واقعیت‌های ایرانی، تهران: نشر نی
- _____، (۱۳۸۱)، جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی، تهران: انتشارات سمت
- مویر، ریچارد، درآمدی نو بر جغرافیای سیاسی، ترجمه دره میرحیدر (۱۳۷۹)، تهران: سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح
- میرحیدر، دره و ذکی قربانعلی، (بهار ۱۳۸۱)، بررسی نظام جغرافیایی-سیاسی ناحیه‌ای و امکان‌سنجی آن در ایران، فصلنامه پژوهش‌های جغرافیایی، شماره ۴۲
- Hague Cliff & Jenkinsn Paul, (2005), place identity, participation and planing, Routlege
- <http://hormozgan.yaarinews.ir/default.aspx/n/335>
- <http://www.alborznews.net/pages/?cid=8089>
- <http://fars.isna.ir/mainnews.php?ID=Photo-13056>
- <http://www.rajanews.com/PrintFriendly.asp?id=36492>